

بازهم درباره :

سودان مسلمان

خواننده محترمی طی نامه‌ای سه سؤال مطرح ساخته و در ضمن ، از نویسنده خواسته است که در صورت امکان پاسخ آنها را در مجله درج نمایم ، زیرا بنظر ایشان ، مقاله ما در شماره پنجم ، نیازمند توضیح بیشتری بوده است ، ایشان می‌نویسند :

۱ - چرا در مقاله شماره پنجم - سودان مسلمان - از حکومت « سودان » انتقاد نموده‌اید ؟

۲ - چرا در باره ادعای « مهدویت » محمد المهدی سودانی ، با تردید اظهار نظر کرده و نوشته‌اید که « در صورت صحت این نسبت ، ادعای بی‌اساس او قابل هرگونه توییح کامل است » .

۳ - بقیه مقاله ، « جنگ صلیبی در نیجریه » مندرج در شماره دوم ، چرا منتشر نگردید ؟

اینک پاسخ اجمالی خواننده محترم :

(۱): ما در مقاله شماره پنجم ، ضمن انتقاد از پاره‌ای از اقدامات حکومت سودان (مانند انحلال احزاب اسلامی : اخوان المسلمین ، الميثاق الاسلامی ، جبهه متحد اسلامی ، و تعطیل دانشگاه اسلامی ام درمان) ، با کمال صراحت نوشته بودیم که : « ما اقدامات مثبت حکومت فعلی سودان را در تأیید مردم فلسطین و پشتیبانی از جهاد آزادیبخش ملی اریتره و غیره ، می‌ستاییم و معتقدیم که باید با همکاری دیگر کشور های مسلمان و عرب ، برضد دشمن مشترک ، جهاد ادامه دهد » و با توجه یابن جملات روشن و آشکار ، از اقدامات مثبت و مفید سودان تقدیر نموده‌ایم و اگر کسی غیر از این فهمیده ، باید متذکر شویم که ما نظری غیر از این نداشته ایم .

ما معتقد بوده و هستیم که انقلاب سودان همواره باید در راه خود

بنفع ملت سودان و دیگر ملل مسلمان گام بردارد و روی همین اصل ، اقدام ماه گذشته حکومت سودان را در **ملی کردن یاتکهای خارجی و شرکتهای بازرگانی استثماری بیگانه** و مصادره آنها ، تقدیس می‌نمائیم و امیدواریم که حکومت فعلی بتواند بشورش مسیحیان تجزیه طلب جنوب سودان ، که با اسلحه امپریالیسم غربی و اسرائیل قیام کرده و خواستار استقلال کامل داخلی هستند ، پایان دهد و خائنان جنوب را سرکوب سازد و در مبارزه مردم دلاور فلسطین و آزادی سرزمینهای مقدس اسلام ، نقش موثر خویش را همچنان ایفا کند.

(۲) اما در مورد **محمد احمد سودانی** ، ما مدارکی در دست داریم که او مدعی « مهدویت » بمفهوم مصطلح در نزد ما ، نبوده و هم اکنون هم چند میلیون هوا داران او در سودان ، او را بعنوان « مهدی موعود » نمی‌شناسند ، بلکه « **مجدد** » می‌دانند که مطابق بعضی روایات هر صد سال یکبار برای احیای سنتهای اسلامی اقدام میکند ! . فرقه « **انصار** » که یکی از فرق اسلامی سودان است ، مانند دیگر مسلمانان جهان ، با احکام اسلامی عمل میکنند و شما می‌توانید هر ساله گروه بسیاری از آنان را در مراسم **حج** به بینید و با آنها مذاکره کنید تا روشن گردد که آنان مانند فرقه ضاله « ایران » یا قادیانیهای « پاکستان » نیستند ، و خود « محمد احمد سودانی » هم مانند : « غلام احمد قادیانی » یا « بابوبها » کتابی خاص و احکامی جدید نیاورد و درست بر خلاف آندو - که برای بقای امپراطوری بریتانیای کبیر « **دعا** » نمودند و « **لوح** » خاصی صادر کردند و هر دو « حکم جهاد اسلامی » را « نسخ » شده اعلام داشتند ! (تا سلطه استعمار باقی بماند) - او بر ضد استعمار انگلیس قیام کرد و با استفاده از آیات **جهاد قرآن مجید** ، مردم مسلمان سودان را بر ضد نیرو های اشغالگر شورانید و پیروز هم شد .

این است استنباط تاریخی ما ، ولی اگر در عقاید صوفیانه او انحرافات باشد و یا واقعاً او مدعی « مهدویت » باشد ، ما این ادعا را نادرست میدانیم و بر آن عقاید ، هرگز صحه نمی‌گذاریم ولی اثبات آن از نظر تاریخی ، نیازمند مدارک معتبری است و اکنون ما مدارک خود را از نظر شما می‌گذرانیم و چنانچه خوانندگان محترم مدارکی بر خلاف آنچه ما ذکر نموده‌ایم ، در اختیار داشته باشند ، برای درج در مجله ارسال فرمایند .

قیام « محمد احمد سودانی » بر ضد استعمار انگلیس و بیرون راندن نیروهای اشغالگر خارجی از یک سرزمین اسلامی ، قابل تقدیر بوده و هست

و طبق مدارك موجود ، جنگ او بانبرو های خارجی و اشفالگر «ملکه ویکتوریا» را عزادان ساخت و او « در يك جنگ ، زیاده از یازده هزار نفر انگلیسی را بکشت » (۱) .

در منشورات رسمی خود « محمد احمد سودانی » آمده است که او: « بر ضد نفوذ غرب و برای از بین بردن بدعتها ، قیام کرده و میخواهد مردم مسلمان را بسوی اسلام واقعی بخواند ، و احکام قرآن و سنت را اجرا کند و نخستین گام در این راه ، بیرون راندن نیرو های اشفالگر انگلیسی است » (۲) او می گوید:

« ما مسلمانان » فقط با وحدت می توانیم اصول استوار اسلام را احیا کنیم و نیروهای متجاوز بیگانه را از بلاد مسلمین بیرون برانیم » (۳) .
« محمد احمد سودانی اگر چه عقائد صوفی منشانه ای داشت ولی همیشه در کنار قرآن مجید و کتب حدیث « احیاء العلوم » غزالی و تفسیر « روح المعانی » آلوسی را همراه داشت » (۴) .

بدین ترتیب روشن می شود که : « او هوا دار برگشت به عمل به قرآن و سنت رسول اکرم (ص) بود و از طرفی او معتقد بود که باب اجتهاد باید در مذاهب اربعه مسدود نباشد ، زیرا قوام دین اسلام و ابدی بودن آن ، با دائمی بودن اجتهاد (مطابق موازین کتاب و سنت) بستگی دارد . او تمام حدود شرعی را مانند احکام اسلامی در باره دزد و افراد بدکاره ، اجرامینمود و کسانی را که نماز نمی خواندند شدیداً تنبیه میکرد . و در عین حال به وجوب جهاد در راه دین معتقد بود ... در دوره حکومت او وجوه شرعی برای بیت المال جمع آوری شد و مطابق موازین شرعی تقسیم گردید ... او بشدت با بدعتها جنگید ، و دستور داد که باید نماز های پنجگانه بطور جماعت برگزار شود و مساوات بین عموم برقرار گردد و عناوین و القاب موهوم افراد ، لغو شود ... » (۵)

۱ - « مهدی » تالیف دارمستر آلمانی ، ترجمه محسن جهانسوز ، چاپ تهران صفحه دوم .

۲ - و ۳ - « تاریخ السودان القديم والحديث » تالیف ن - شقیر ، چاپ قاهره جلد دوم ص ۳۷۴ .

۴ « الثقافة العربية فی السودان » تالیف عبدالمجید عابدین ، چاپ قاهره صفحه ۱۲۴ .

۵ - « الاسلام والثقافة العربية فی افريقية » تالیف دکتر حسن احمد محمود ، چاپ قاهره جلد اول صفحه ۴۰۶ و ۴۰۸ .

آدام منتز می‌نویسد: « جمال‌الدین و محمدعبد نهضت او را تشجیع میکردند و میخواستند او پس از پیروزی در سودان، برای آزادی مصر هم اقدام کند ... » (۶).

سید جمال‌الدین اسدآبادی در بعضی از شماره‌های «**العروة الوثقی**» که مجموعه کامل آن نزد ما موجود است و امیدواریم روزی منتشر گردد - بارها از او و فعالیت‌هایش نام برده، تا آنجا که همین امر باعث شده، مورخ معاصری، چنین بنویسد: «... محمد احمد سودانی برای کوتاه کردن دست استعمار انگلیس شدیداً مبارزه می‌کرد و این امر سید را بهدش نزدیک می‌ساخته و بنظر میرسد که با این شخص ارتباط داشته و کراراً از فعالیت‌های او در نشریه العروة الوثقی نام برده است ... » (۱) و در مجله «**گاوه**» هم آمده است که:

«... در مکتوبی که خود سید بزبان فرانسوی به «**بلنت**» نوشته - مورخ ۲۴ جمادی‌الآخره سنه ۱۳۰۱ - ادعا کرده که خیلی از اصحاب متمهدی سودانی از **تلامذۀ** او هستند ... » (۲).

در پایان یکبار دیگر یاد آور میشویم که حقیقت را نباید فدای انگیزه‌های دیگر ساخت. و بی‌شک روشن ساختن اذهان مردم مسلمان در باره سرنوشت برادران مسلمان دیگر، در هر گوشه‌ای از جهان، تا آنجا که امکانات اجازه میدهد، وظیفه اساسی کسانی است که قلم بدست گرفته‌اند و خود را صاحب رسالتی در این زمینه میدانند. و باید باین نکته هم توجه داشت که ما در باره مسائل جهان اسلام علاوه بر مدارک و اسناد چاپ شده بسیار، اطلاعات ویژه‌ای هم داریم که حاضریم در اختیار دوستانی بگذاریم که واقعاً علاقمند بکشف حقیقت هستند.

کسانیکه می‌خواهند در باره تاریخ «سودان» معاصر و قیام «محمد احمد سودانی» و عقاید او آگاهی بیشتری یابند، می‌توانند علاوه بر مدارکی

۶ - «الاسلام والتجدید» تألیف «آدام منتز» ترجمه عبری از عباس محمود، چاپ قاهره صفحه ۱۲ - ۱۵.

۱ - «سید جمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی» تألیف صدرواغنی صفحه ۱۲۰، چاپ تهران ۱۳۴۹.

۲ - مجله «گاوه» سال دوم شماره ۳ صفحه ۷ چاپ برلن (مجموعه مقالات **گاوه** بشکل رساله‌ای اخیراً در تبریز چاپ شده است.)

که در پاورقیها به آنها اشاره شد ، از کتابهای زیر در کتابخانه نویسنده ، استفاده کنند :

- ۱ - « السودان المعاصر ، منذالفتح المصرى حتى الاستقلال » تألیف دکتر « زاهر ریاض » چاپ قاهره ۱۹۶۶ م در ۲۹۰ صفحه .
- ۲ - « تاریخ السودان الحديث » تألیف ضرار صالح ، چاپ بیروت ۱۹۶۵ م در ۲۷۲ صفحه .
- ۳ - « جغرافية و تاریخ السودان » ، تألیف ن - شقیر ، نشریه دارالثقافه ۱۹۶۷ م در ۱۴۰۰ صفحه بزرگ .
- ۴ - « مختصر تاریخ السودان الحديث » تألیف دکتر « مکی شبیکه » استاد تاریخ دانشگاه خرطوم ، چاپ ۱۹۶۵ م در ۱۵۸ صفحه .
- ۵ - « تاریخ الشعوب الاسلامیة » تألیف « کارل بروکلمان » ترجمه عربی ، چاپ چهارم در ۹۰۰ صفحه (ترجمه فارسی آن تحت عنوان « تاریخ ملل و دول اسلامی » توسط آقای دکتر هادی جزائری در ۸۲۰ صفحه در تهران سال ۱۳۴۶ چاپ شده است) .
- ۶ - « سودان » تألیف دکتر « حسین گونیلی » چاپخانه دانشگاه تهران در ۱۰۴ صفحه .
- ۷ - « الاسلام والثقافة العربیة فی افریقیة » تألیف دکتر حسن احمد محمود جلد اول ۵۱۶ صفحه چاپ قاهره .

(۳) : بقیه مقاله : « جنگ صلیبی در نیجریه » را انشاءالله در شماره آینده خواهید خواند .

* شاید از درآمد بیتلها خیلی شنیده باشید ولی باین رقم توجه بفرمائید در سال ۱۹۶۵ بیتلها ۱۱۵۰۰۰۰۰۰ صفحه از آوازهای خود را بفروش رساندهاند در آمد آنها از فروش این صفحه ها ۷۵۷۱۹۰۰۰ میلیون تومان بوده است .

تهران مصور شماره ۱۱۸۷ ۴۵۳۱۰